

چه کسانی حضرت مهدی (عج) را در زمان امام عسکری (ع) دیده اند؟

با وجود همه شواهد روایی و تاریخی، جایی برای ایجاد شبهه و تردید در تولد آخرین حجت حق باقی نمی‌ماند و افراد معتمد و صاحب نام شیعه در زمان امام عسکری (ع) ولادت حضرت مهدی (عج) را گواهی داده اند.

با وجود همه شواهد روایی و تاریخی، جایی برای ایجاد شبهه و تردید در تولد آخرین حجت حق باقی نمی‌ماند و افراد معتمد و صاحب نام شیعه در زمان امام عسکری (ع) ولادت حضرت مهدی (عج) را گواهی داده اند.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر برشی از کتاب «معرفت امام زمان» اثر ابراهیم شفیع‌ی سروسستانی است که در ادامه می‌خوانید؛

گواهان تولد امام مهدی (عج)

۱. محمد بن علی بن بلال که از یاران امام حسن عسکری (ع) بوده و شیخ طوسی، او را ثقه و مورد اعتماد دانسته است، [۱] نقل می‌کند:

خَرَجَ إِلَيَّ مِنْ أَبِي مُحَمَّدٍ قَبْلَ مُضِيهِ يَسْتَتِنُ يُخِيرُنِي بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ، ثُمَّ خَرَجَ إِلَيَّ مِنْ قَبْلِ مُضِيهِ يَتَلَاةً أَيَّامٍ يُخِيرُنِي بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ. [۲]

دو سال پیش از وفات ابومحمد [امام حسن عسکری (ع)]، نامه ای از ایشان به دست من رسید که در آن مرا از جانشین خود آگاه کرده بود. همچنین سه روز پیش از وفات ابومحمد، نامه دیگری از ایشان دریافت داشتم که در آن مشخص شده بود آن حضرت چه کسی را جانشین خود ساخته است.

۲. از احمد بن محمد بن عبدالله، یکی از یاران امام حسن عسکری (ع)، چنین روایت شده است:

خَرَجَ عَن أَبِي مُحَمَّدٍ (ع) حِينَ قُتِلَ الرَّبِيرِيِّ، لَعْنَةُ اللَّهِ: «هَذَا جَزَاءُ مَنْ اجْتَرَأَ عَلَى اللَّهِ فِي أَوْلِيَائِهِ، يَزَعُمُ أَنَّهُ يَقْتُلُنِي وَ لَيْسَ لِي عَقَبٌ، كَيْفَ رَأَى قَدْرَةَ اللَّهِ فِيهِ» وَ وُلِدَ لَهُ وَ لِدٌ سَمَاهُ «م ح م د» فِي سَنَةِ سِتِّ وَ خَمْسِينَ وَ مِائَتِينَ. [۳]

هنگامی که زبیری [۴] لعنت خدا بر او باد کشته شد، نامه ای از ابومحمد [امام حسن عسکری (ع)] به من رسید که در آن آمده بود: «این جزای کسی است که حریم خدا را نگه ندارد و در حق اولیای او گستاخی کند. او می‌پنداشت مرا به قتل می‌رساند، در حالی که در پی من فرزندی وجود ندارد، ولی [دیدم] خداوند قدرت خود را چگونه به او نشان داد؟» در پی این ماجرا در سال ۲۵۶ [ق] فرزندی برای آن حضرت متولد شد که او را «م ح م د» نامید.

۳. احمد بن اسحاق قمی از معدود افرادی است که حضرت امام حسن عسکری (ع) او را در جریان تولد فرزند خویش قرار داد. پیش از بیان روایتی که در این زمینه از ایشان نقل شده، بیجاست برای درک جایگاه و موقعیت نام برده در جامعه شیعی عصر خود، توصیف شیخ طوسی از ایشان را نقل کنیم. شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ . ق) در کتاب الفهرست می‌نویسد:

احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد؛ بزرگ مرتبه و از یاران خاص ابومحمد [امام حسن عسکری (ع)] است. او صاحب الزمان (عج) را مشاهده کرد. او شیخ قمیین و پیک و فرستاده آنها نزد امامان شیعه (ع) بود. [۵]

روایتی که احمد بن اسحاق از امام حسن عسکری (ع)، نقل و در آن به چگونگی آگاه شدن خود از تولد آخرین حجت حق اشاره کرده، به قرار زیر است:

وُلِدَ لَنَا مَوْلُودٌ قَلِيكُنْ عِنْدَكَ مَسْئُورًا، وَ عَن جَمِيعِ النَّاسِ مَكْتُومًا، قَائًا لَمْ تَطْهَرْ عَلَيْهِ إِلَّا الْأَقْرَبَ لِقَرَابَتِهِ وَ الْوَلِيَّ لِوَلَايَتِهِ، أَحْبَبْنَا إِعْلَامَكَ لَيْسَرَّكَ اللَّهُ يَهْ مِثْلَ مَا سَرَّنَا يَهْ. وَالسَّلَامُ. [۶]

برای ما فرزندی متولد شد. لازم است خبر تولد او را پنهان بداری و به هیچکس از مردم بازگو نکنی. ما کسی را بر این

تولد آگاه نمی کنیم جز خویشاوند نزدیک را به دلیل خویشاوندی و دوست را به دلیل ولایتش. دوست داشتیم خیر این تولد را به تو اعلام کنیم تا خداوند خاطر تو را شادمان سازد، همچنان که مرا شادمان ساخت. والسلام.

۴. احمد بن اسحاق در روایت دیگری می گوید:

سَمِعْتُ أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيِّ الْعَسْكَرِيِّ (ع) يَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي، أَشْبَهَ النَّاسَ بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) خَلَقًا وَ خُلُقًا... [۷]

از ابا محمد حسن بن علی عسکری ۸ شنیدم که فرمود: «سپاس خدای را که مرا از دنیا نبرد تا جانشینم را به من نشان دهد. همو که آفرینش و خلق و خوی او از همه مردم به رسول خدا (ص) شبیه تر است».

۵. ابوهاشم جعفری (داوود بن قاسم) که محضر چهار تن از ائمه؛ یعنی امام رضا، امام جواد، امام هادی و امام عصر (علیهم السلام) را درک کرده و به گفته نجاشی و شیخ طوسی نزد ائمه «عظیم المنزله» و «جلیل القدر» بوده است، [۸] چنین نقل کند:

قُلْتُ لِأَبِي مُحَمَّدٍ (ع) جَلَالُكَ تَمَنُّعُنِي مِنْ مَسْأَلَتِكَ، فَتَأَذَّنْ لِي أَنْ أَسْأَلَكَ؟ فَقَالَ: سَلْ. قُلْتُ: يَا سَيِّدِي! هَلْ لَكَ وَ لَدَّ؟ فَقَالَ: نَعَمْ. فَقُلْتُ: فَإِنْ حَدَّثَ يَكْ حَدَّثَ فَأَيْنَ أَسْأَلُ عَنْ ه. قَالَ: يَا لِمَدِينَةٍ. [۹]

به ابا محمد [امام حسن عسکری] (ع) عرض کردم: جلالت شما مانع از این می شود که پرسشی را با شما در میان بگذارم. آیا اجازه می دهید پرسشی از شما بکنم؟ فرمود: «بپرس». گفتم: آقای من! آیا شما فرزندی دارید؟ فرمود: «آری.» گفتم: اگر اتفاقی برای شما افتاد، سراغ او را در کجا بگیریم؟ فرمود: «در مدینه».

۶. حمدان بن احمد قلانسی که از فقیهان کوفه بوده و کشی، او را توثیق کرده است، [۱۰] نقل می کند:

قُلْتُ لِلْعَمْرِيِّ: قَدْ مَضَى أَبُو مُحَمَّدٍ؟ فَقَالَ لِي: قَدْ مَضَى وَلَكِنْ قَدْ خَلَّفَ فِيكُمْ مَن رَقَبْتُهُ مِثْلَ هَذِهِ؛ وَأَشَارَ بِيَدِهِ. [۱۱]

به عمری (عثمان بن سعید) گفتم: آیا ابومحمد [امام حسن عسکری] (ع) از دنیا رفت؟ گفت: آری او از دنیا رفت، ولی کسی را در میان شما جانشین خود قرار داد که گردن او چنین است. در این حال، با دستان خود [به گردنش] اشاره می کرد. [۱۲]

۷. محمد بن احمد علوی نیز از ابی غانم خادم نقل می کند:

برای ابا محمد [امام حسن عسکری] (ع)، فرزندی به دنیا آمد که او را محمد نامید و وی را در سومین روز ولادتش به اصحاب خود عرضه کرد و فرمود:

«هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ وَ هُوَ الْقَائِمُ الَّذِي تَمْتَدُّ إِلَيْهِ الْأَعْنَاقُ بِالْإِنْتِظَارِ فَإِذَا امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا خَرَجَ فَمَلَأَهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا؛ پس از من، این صاحب شما و جانشین من بر شماست و او قائمی است که مردم در انتظارش می مانند و چون زمین از ستم پر شود، ظهور می کند و آن را از عدل و داد آکنده می سازد.» [۱۳]

مشاهده کنندگان امام مهدی (ع)

آنچه گذشت، نمونه هایی از سخنان افراد معتمد و صاحب نام شیعه در زمان امام حسن عسکری (ع) بود که در آنها به تولد فرزند امام یازدهم و آخرین حجت حق گواهی داده شده بود. حال به بررسی سخنان کسانی می پردازیم که خود، حضرت مهدی (ع) را هنگام تولد یا پس از آن دیده اند:

۱. نخستین شاهد تولد امام عصر (ع)، حکیمه، دختر بزرگوار امام جواد (ع) و عمه امام حسن عسکری (ع) [۱۴] است. شیخ صدوق (م ۳۸۱ ه. ق) در کتاب کمال الدین و تمام النعمه، ماجرای تولد امام مهدی (عج) را به نقل از بانو حکیمه به تفصیل آورده است [۱۵] که ما پیش از این به آن پرداختیم. از این رو، در اینجا به روایتی که در الکافی در همین زمینه نقل شده است، بسنده می کنیم.

محمد بن قاسم بن حمزه بن موسی بن جعفر، یکی از نوادگان امام موسی کاظم (ع) که از اصحاب امام هادی (ع) به شمار می آید، [۱۶] چنین روایت کرده است:

حَدَّثَنِي الْحَكِيمَةُ ابْنَةُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ هِيَ عَمَّةُ أَبِيهِ أَنَّهَا رَأَتْهُ لَيْلَةَ مَوْلِدِهِ وَ بَعْدَ ذَلِكَ. [۱۷]

حکیمه، دختر محمد بن علی که عمه پدر او (مهدی) نیز هست، برای من نقل کرد که او (فرزند امام حسن عسکری (ع)) را در شب تولد و پس از آن دیده است.

۲. محمد بن یعقوب کلینی به سند خود از محمد بن اسماعیل بن موسی بن جعفر، یکی از نوادگان امام هفتم شیعیان که در زمان خود سال خورده ترین نواده رسول خدا (ص) در عراق به شمار می آمد، [۱۸] چنین نقل می کند: «رَأَيْتُهُ بَيْنَ الْمَسْجِدَيْنِ وَ هُوَ (ع) غَلَامٌ؛ او [فرزند امام حسن عسکری (ع)] را در حالی که جوان نوری بود، در بین دو مسجد [۱۹] مشاهده کردم». [۲۰]

۳. عمرو اهوازی نیز از جمله کسانی است که حضرت صاحب الامر (ع) را در کودکی دیده است. روایتی که کلینی در این زمینه از ایشان نقل کرده، به شرح زیر است: «أَرَانِيهِ أَبُو مُحَمَّدٍ (ع) وَ قَالَ: هَذَا صَاحِبُكُمْ؛ ابومحمد [امام حسن عسکری (ع)]، او را به من نشان داد و گفت: این صاحب شماست». [۲۱]

۴. شیخ صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمه از احمد بن اسحاق که پیش از این ذکر او گذشت، چنین نقل می کند:

دَخَلْتُ عَلَيَّ أَبِي مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْخَلْفِ [مِنْ] بَعْدِهِ، فَقَالَ لِي مُبْتَدِئًا: يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يُخَلِّ الْأَرْضَ مِنْدًا خَلَقَ آدَمَ (ع) وَ لَا يُخَلِّهَا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ... قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَمِنَ الْإِمَامُ وَ الْخَلِيفَةُ بَعْدَكَ؟ فَتَهَضَّ (ع) مُسْرِعًا قَدْ خَلَّ الْبَيْتَ، ثُمَّ خَرَجَ وَ عَلَيَّ عَاتِقِهِ غَلَامٌ كَأَنَّ وَجْهَهُ الْقَمَرُ لَيْلَةَ الْبَدْرِ مِنْ أَبْنَاءِ الثَّلَاثِ سِنِينَ، فَقَالَ: يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ لَوْلَا كَرَامَتُكَ عَلَيَّ اللَّهُ، عَزَّ وَ جَلَّ، وَ عَلَيَّ حُجَّجِهِ مَا عَرَضْتُ عَلَيْكَ ابْنِي هَذَا، إِنَّهُ سَمِيَّ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ كَنِيَّةً، الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا... [۲۲]

خدمت ابا محمد حسن بن علی (ع) رسیدم و می خواستم از ایشان در مورد جانشین پس از او پرسش کنم. آن حضرت پیش از آنکه من چیزی بپرسم، فرمود: «ای احمد بن اسحاق! همانا خداوند تبارک و تعالی، از آن هنگام که آدم (ع) را آفرید، زمین را از حجت خدا بر آفریدگانش خالی نگذاشته است و تا زمانی هم که قیامت برپا شود، خالی نخواهد گذاشت...» گفتم: ای پسر فرستاده خدا! پیشوا و جانشین پس از شما کیست؟ آن حضرت با شتاب به درون خانه رفت و در حالی که پسر بچه سه ساله ای را که رویی همانند ماه تمام داشت، بر دوش خود حمل می کرد، برگشت و گفت: «ای احمد بن اسحاق! اگر نزد خداوند عز و جل و حجت های او گرامی نبودی، این پسر مرا به تو نشان نمی دادم. همانا او هم نام رسول خدا (ص) و هم کنیه اوست. او کسی است که زمین را از عدل و داد پر می سازد همچنان که از جور و ستم پر شده باشد».

۵. جعفر بن محمد بن مالک فزاری از گروهی از شیعیان که علی بن بلال، محمد بن معاویه بن حکیم و حسن بن ایوب از آن جمله اند، نقل می کند:

ما به خدمت ابامحمد حسن بن علی (ع) رسیدیم تا از آن حضرت در مورد حجت پس از ایشان پرسش کنیم. جمعیتی بالغ بر چهل نفر در خانه حضرت اجتماع کرده بودند. در این میان، عثمان بن سعید عمرو عمری به سوی آن حضرت رفت و گفت: ای پسر رسول خدا! می خواهیم از چیزی بپرسیم که شما از من بدان آگاه ترید. حضرت فرمود: بنشین ای عثمان! او دل گیر شد و خواست از مجلس خارج شود که حضرت فرمود: کسی از اینجا خارج نشود. کسی از ما خارج نشد. پس از ساعتی حضرت (ع)، عثمان را صدا زد و عثمان از جا برخاست. حضرت فرمود: آیا به شما بگویم برای چه به اینجا آمده اید؟ همه گفتند: آری، ای پسر رسول خدا! پس فرمود: آمده اید که در مورد حجت پس از من بپرسید. گفتند: آری. در این هنگام، پسر بچه ای همچون پاره ماه که از همه مردم به ابا محمد (ع) شبیه تر بود، به مجلس درآمد. حضرت فرمود: پس از من، این امام شما و جانشین من بر شماست. از او پیروی کنید و پس از من از یکدیگر پراکنده نشوید که در دین خود دچار هلاکت و نابودی می شوید. آگاه باشید که از امروز به بعد، هیچیک از شما او را نخواهید دید تا عمری از او بگذرد. پس آنچه عثمان به شما می گوید، بپذیرید. به دستورهای او سر نهید و سخن او را بپذیرید؛ که او نماینده امام شماست و سررشته امور به او سپرده شده است. [۲۳]

۶. ابراهیم بن ادریس که بنا به گفته شیخ طوسی و برقی، از اصحاب امام هادی (ع) بود، [۲۴] ماجرای دیدار خود با حضرت صاحب الامر (ع) را چنین نقل می کند:

پس از درگذشت ابومحمد [امام حسن عسکری] (ع) او (حضرت مهدی (ع)) را در حالی که جوانی نارس بود، دیدم و سر و دستش را بوسیدم. [۲۵]

۷. از ابوالادیان بصری که در مراسم تشییع و خاک سپاری امام یازدهم حضور داشت و شاهد نماز خواندن امام مهدی (عج) بر پیکر پدر بزرگوار خویش بود، روایتی در این زمینه نقل شده که به قرار زیر است:

من در خدمت حسن بن علی بن محمد [امام یازدهم] (ع) کار می کردم و نوشته های او را به شهرها می بردم. در بیماری موتش به حضور او شرف یاب شدم. نامه هایی نوشت و فرمود: اینها را به مدائن برسان. چهارده روز سفر طول می کشد و روز پانزدهم وارد «سرّ من رأی» (سامرا) می شوی و اوایلا از خانه من می شوی و مرا روی تخته غسل می بینی. ابوالادیان گوید: عرض کردم: ای آقای من! چون این پیشامد روی دهد، به جای شما کیست؟ فرمود: هر کس جواب نامه های مرا از تو خواست، او بعد من، قائم [به امر امامت] است. عرض کردم: نشانه ای بیفزایید. فرمود: هر کس بر من نماز خواند، او قائم بعد از من است. عرض کردم: بیفزایید. فرمود: هر کس به آنچه در همین است، خبر داد، اوست قائم پس از من. هیبت حضرت مانع شد که من بیرسم در همین چيست. من نامه ها را به مدائن رساندم و جواب آنها را گرفتم و چنان که فرموده بود، روز پانزدهم به «سرّ من رأی» برگشتم و در خانه اش اوایلا بود و خودش روی تخته غسل بود. به ناگاه دیدم جعفر کذاب، پسر علی، برادرش بر در خانه است و شیعه گرد او جمع هستند و تسلیت می دهند و به امامت تهنیت می گویند. با خود گفتم: اگر امام این است که امامت باطل است؛ زیرا می دانستم جعفر شراب می نوشد و در جوسق قمار می کند و تنبور هم می زند. من نزدیک او رفتم و تسلیت گفتم و تهنیت دادم و چیزی از من نپرسید. سپس عقید (خادم حضرت عسکری) بیرون آمد و گفت: ای آقای من! برادرت کفن شده است، برخیز و بر او نماز بگذار. جعفر بن علی با شیعیان او که اطرافش بودند، وارد حیاط شد و پیشاپیش شیعیان، سمان (عثمان بن سعید عمری) بود و حسن بن علی معروف به سلمه. وقتی وارد صحن خانه شدیم، جنازه حسن بن علی بر روی تابوت کفن کرده بود. جعفر جلو ایستاد که بر برادرش نماز بخواند. چون خواست «الله اکبر» بگوید؛ کودکی با صورتی گندم گون، موهایی مجعد و دندان هایی که در بین آنها فاصله بود، از اتاق بیرون آمد و ردای جعفر را عقب کشید و گفت: ای عمو! من سزاوارترم که بر جنازه پدرم نماز گزارم، عقب بایست! جعفر با روی درهم و رنگ زرد عقب ایستاد. آن کودک جلو ایستاد و بر پیکر نماز خواند. [آن گاه حضرت حسن عسکری (ع)] در کنار قبر پدرش به خاک سپرده شد. سپس [آن] کودک گفت: ای بصری! جواب نامه ها را که با توست، بیاور. آنها را به وی دادم و با خود گفتم: این دو نشانه؛ باقی می ماند، همین. سپس نزد جعفر بن علی رفتم که داشت ناله و فریاد می کرد و از دست آن کودک می نالید. حاجز و شّا به او گفت: ای آقای من! آن کودک کیست تا ما بر او اقامه دلیل کنیم. گفت: به خدا من تاکنون نه او را دیده ام و نه می شناسم.

ما هنوز نشسته بودیم که چند نفر از قم آمدند و از حسن بن علی (ع) پرسش کردند و دانستند که فوت شده است. گفتند: به چه کسی باید تسلیت بگوییم؟ عده ای به جعفر بن علی اشاره کردند. آنها بر او سلام کردند و او را تسلیت دادند و به امامت تهنیت گفتند و اظهار داشتند همراه ما نامه ها و اموالی است، بگو نامه ها از کیست و اموال چه قدر است؟ جعفر از جا پرید و جامه های خود را تکان داد و گفت: از ما علم غیب می خواهید؟ خادمی از میان خانه بیرون شد و به آنها گفت: نامه هایی که با شماست، از فلان و فلان است و در همین هزار اشرفی است که ده تایی آنها قلب است. آنها نامه ها و اموال را به دست او سپردند و گفتند: آن که تو را به خاطر اینها فرستاده است، او امام است.... [۲۶]

گفتنی است برخی منابع تاریخی، از ابوعلیسی متوکل به عنوان کسی یاد کرده اند که بر پیکر امام حسن عسکری (ع) نماز گزارده است. این نقل تاریخی و روایت یاد شده را به این صورت می توان جمع کرد که ابتدا در خانه حضرت عسکری (ع) و با تعداد محدودی از خواص اصحاب، بر پیکر آن حضرت نماز خوانده شده است، سپس پیکر ایشان را برای تشییع جنازه به بیرون از خانه انتقال داده اند و در آنجا، فرد دیگری به طور رسمی بر پیکر آن جناب نماز گزارده است. [۲۷]

در پایان بررسی دلایل و شواهد تاریخی و روایی ولادت امام مهدی (عج)، برای تکمیل بحث به سخنی از شیخ طوسی (ره) اشاره می کنیم. او در پاسخ کسانی که در ولادت آن حضرت تشکیک می کنند، می نویسد:

صدور حکم نفی ولادت فرزند از مواردی است که [ابتدائاً و بدون یقین] صحیح نیست. [به بیان دیگر] کسی نمی تواند در مورد فردی که وجود فرزند برای او آشکار نشده است، ادعا کند که او فرزندی ندارد. در این گونه موارد فقط به ظن غالب و اماره ها رجوع و گفته می شود: اگر او فرزندی داشت حتماً آشکار می شد و خبرش منتشر می گشت؛ زیرا

عقلا گاهی با انگیزه ها و دلایل مختلف ناچار به پوشیده داشتن فرزندانشان می شوند.

[مثلاً] برخی از پادشاهان از سر دل سوزی و بیم [از اینکه مبدا به فرزندشان ضرری برسد] او را از دیدگان پنهان می کردند. موارد زیادی از این قبیل در سرگذشت پادشاهان پیشین یافت می شود و اخبار آنها هم معروف است.

در میان مردم [عادی هم این اتفاق می افتد. مثلاً] کسی که از کنیز یا همسر پنهانی خود دارای فرزند شده است، از ترس ایجاد دشمنی و درگیری با همسر و دیگر فرزندانش، این فرزند را انکار می کند. این گونه موارد هم زیاد رخ می دهد.

... بنابراین، نمی توان [به طور کلی] ادعای متولد نشدن فرزند [برای کسی] کرد. تنها در صورتی که اوضاع و احوال مناسب باشد و بدانیم که هیچ مانعی برای [آشکار ساختن ولادت فرزند] وجود نداشته است، می توان پی برد که واقعاً ولادتی رخ نداده است... ولی در مورد فرزند [امام] حسن [عسکری] (ع) هرگز نمی توان ادعای علم به تولد نشدن او کرد؛ زیرا امام حسن (ع) در حکم مجبور و زندانی بود و بیم کشته شدن فرزند او وجود داشت. این موضوع مشهور بود و همه می دانستند که بر اساس مذهب امامیه دوازدهمین امام، همان قائمی است که امید می رود دولت های جور به دست او نابود شوند، و به طور طبیعی همه در پی او بودند. همچنین این بیم وجود داشت که از سوی بستگان امام حسن عسکری کسانی چون جعفر برادر آن حضرت که نسبت به اموال و میراث او طمع می ورزید خطری متوجه این فرزند شود. به همین دلیل امام حسن عسکری (ع) او را پنهان کرد و در نتیجه در ولادت او شبهه به وجود آمد. [۲۸]

با توجه به مطالب یاد شده درمی یابیم که با وجود این همه شواهد و قرائن روایی و تاریخی، جایی برای ایجاد شبهه و تردید در تولد آخرین حجت حق باقی نمی ماند و به تعبیر شیخ مفید (ره) راه هرگونه عذر و بهانه بسته می شود.

[۱]. ر. ک: سید ابوالقاسم موسوی خوئی، معجم رجال الحدیث، قم، مدینه العلم آیت الله العظمی خوئی، بی تا، ج ۱۶، ص ۳۰۹.

[۲]. الکافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ج ۱؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۳۴۸.

[۳]. الکافی، ج ۱، ص ۳۲۹، ج ۵؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۳۴۹.

[۴]. «زبیری» لقب یکی از گردن کشان و دشمنان اهل بیت از نسل «زبیر» است که در زمان حضرت عسکری (ع) می زیست و آن حضرت را تهدید به قتل کرده بود. خداوند به دست خلیفه عباسی، او را به سزای اعمالش رساند.

[۵]. محمدبن حسن طوسی، الفهرست، تحقیق: جواد القیومی، قم، نشر الفقه، ۱۴۱۷ ه. ق، ص ۷۰، ش ۷۸؛ ر. ک: معجم رجال الحدیث، ج ۲، صص ۴۷ و ۴۸.

[۶]. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۴۲، صص ۴۳۳ و ۴۳۴، ج ۱۶.

[۷]. همان، صص ۴۰۸ و ۴۰۹، ج ۷.

[۸]. ر. ک: معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۱۱۸ و ج ۲۲، ص ۷۵.

[۹]. الکافی، ج ۱، ص ۳۲۸، ج ۲؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۳۴۸.

[۱۰]. ر. ک: معجم رجال الحدیث، ج ۶، صص ۲۴۷ و ۲۵۴.

[۱۱]. الکافی، ج ۱، ص ۳۲۹، ج ۴؛ الإرشاد، ج ۲، صص ۲۵۱ و ۲۵۲.

[۱۲]. علامه مجلسی در توضیح عبارت «و أشار بی ده» که در این روایت آمده است، می گوید: «یعنی انگشتان ابهام و سبابه هر دو دست خود را از هم باز کرد و در همین حال، دستان خود را از هم دور کرد، چنان که در بین اعراب و غیر آنها برای اشاره به ستبری گردن رایج است؛ یعنی آن حضرت، جوانی قدرتمند است که گردن او چنین است». مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۴، ص ۲.

[۱۳]. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۴۲، ص ۴۳۱، ح ۸.

[۱۴]. ر. ک: معجم رجال الحديث، ج ۲۳، ص ۱۸۷.

[۱۵]. ر. ک: کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۴۲، صص ۴۲۴ و ۴۲۵، ح ۱.

[۱۶]. ر. ک: معجم رجال الحديث، ج ۱۷، ص ۱۵۸.

[۱۷]. الکافی، ج ۱، صص ۳۳۰ و ۳۳۱، ح ۳؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۳۵۱.

[۱۸]. ر. ک: معجم رجال الحديث، ج ۱۵، صص ۹۳ و ۹۴ و ۱۰۷.

[۱۹]. ظاهراً مراد از دو مسجد، مسجد سهله و مسجد کوفه است.

[۲۰]. الکافی، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۲؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۳۵۱؛ کتاب الغيبة (طوسی)، ص ۱۶۲.

[۲۱]. الکافی، ج ۱، ص ۳۳۲، ح ۱۲؛ الإرشاد، ج ۲، صص ۳۵۳ و ۳۵۴.

[۲۲]. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۲۸، صص ۲۸۴ و ۲۸۵، ح ۱.

[۲۳]. الفهرست، ص ۲۱۷؛ ر. ک: الإرشاد، ج ۲، ص ۴۳۵، ح ۲.

[۲۴]. ر. ک: معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۲۰۲.

[۲۵]. کتاب الغيبة (طوسی)، ص ۱۶۲.

[۲۶]. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۴۳، صص ۴۷۵ و ۴۷۶؛ ر. ک: متن و ترجمه کمال الدین و تمام النعمة، ترجمه: منصور پهلوان، ج ۲، صص ۲۲۳ و ۲۲۶.

[۲۷]. ر. ک: تاریخ الغيبة الصغرى، ص ۲۹۸؛ برای مطالعه بیشتر در زمینه پاسخ پرسش ها، ابهام ها و شبهه هایی که در زمینه تولد امام مهدی (عج) مطرح شده است، ر. ک: نامرهاشم عمیدی، در انتظار ققنوس، ترجمه: مهدی علی زاده، چاپ اول: قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹؛ سامی البدری، پاسخ به شبهات احمد الکاتب، ترجمه: ناصر ربیعی، چاپ اول: قم، انوارالهدی، ۱۳۸۰؛ سمیه درگاهی، ولادت امام عصر (عج)، دیدگاه ها، اثبات و پاسخ به شبهات (پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم حدیث)، تهران، دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۶.

[۲۸]. کتاب الغيبة (طوسی)، صص ۵۰ و ۵۱.